

موراکامی در مترو

بررسی رمان مترو اثر هاروکی موراکامی

● آزاده شریفی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران | azadehsh194@gmail.com

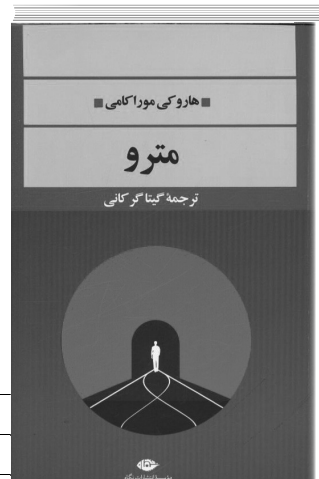
چکیده

هاروکی موراکامی از مهم‌ترین رمان‌نویسان امروز جهان است. بیشتر رمان‌های او درباره وضعیت تناقض‌آمیز انسان کنونی است. موراکامی اصالتاً ژاپنی است اما خوانندگانی از سراسر جهان دارد. همین امر باعث شده که منتقدانش او را نویسنده‌ای بیگانه با فرهنگ و مردم ژاپن بدانند. مترو - با آنکه رمان نیست - ژاپنی‌ترین اثر موراکامی است. این اثر که دربردارنده مصاحبه‌های موراکامی با قربانیان حمله گاز به متروی توکیو (۱۹۹۵) است نگاهی وقایع‌نگارانه دارد. موراکامی این اثر را با مصاحبه‌هایی از اعضای فرقه اوم (عاملان حمله) تکمیل کرده و به طور ضمنی سعی دارد شکاف اجتماعی و خلأ معنوی در جامعه ژاپن را به نمایش بگذارد.

کلیدواژه: موراکامی، مترو، فرقه اوم، سارین، قربانی

«می‌خواستم اگر امکان داشته باشد، از هر فرمولی پرهیز کنم تا نشان دهم هر فردی که آن روز در مترو بود، یک چهره داشت و یک زندگی، یک خانواده، امیدها و ترس‌ها، تضادها و درگیری‌ها و اینکه همه این عوامل در ماجرا نقشی داشتند» (موراکامی، ۱۳۹۵: ۱۲).

مترو از متفاوت‌ترین آثار موراکامی است. موراکامی رمان‌نویس مشهور ژاپنی در این اثر مستند به وقایع‌نگاری حادثه حمله به متروی توکیو (با گاز سارین) در ۲۰ مارس ۱۹۹۵ پرداخته است. هر گزارش صورت پیاده‌شده مصاحبه با کسی است که در حادثه حضور یا به نوعی با آن ارتباط داشته است. موراکامی با سخت‌کوشی همیشگی‌اش دنبال اسناد و مدارک و نام و نشان قربانیان گشته، با آنها مصاحبه کرده و مصاحبه‌ها را مکتوب و تدوین کرده است. بسیاری از قربانیان را نیافته، برخی حاضر به مصاحبه نشده‌اند و بسیاری نیز پس از انجام مصاحبه پشیمان شده و اجازه درج مصاحبه‌شان را نداده‌اند. خواندن همه



■ موراکامی، هاروکی (۱۳۹۵) مترو، ترجمه گیتا گرکانی، تهران: نگاه.

این گزارش‌ها در یک کتاب چنان است که گویی خواننده روایتی واحد را از چندین راوی می‌شنود و تکه‌های مختلف آن را کنار هم می‌گذارد. تصویرها و روایت‌های متفاوتی که از ماجرا داده می‌شود همانند تکه‌های پازل یکدیگر را تکمیل می‌کنند و به مخاطب اجازه می‌دهند خود را بارها و بارها در بطن حادثه بیابد.

یک روز عادی و شاید کسل‌کننده... مردمانی سوار بر قطار بودند که عمدتاً به محل کار خود می‌رفتند و مأموران ایستگاه هم در حال انجام وظایف متداول خود بودند؛ ناگهان چند نفر از اعضای فرقه اوم^۱ با کیسه‌های پر از گاز سارین وارد چند ایستگاه شدند و در بین راه کیسه‌ها را سوراخ و گاز را منتشر کردند. اعضای فرقه اوم از خلوتی یک روز بین تعطیل استفاده کردند تا با حمله گاز حضور رعب‌انگیز خود را به اهالی توکیو اعلام کنند. برخی معتقدند فرقه اوم قصد راه انداختن کشتار وسیعی نداشتند، وگرنه انداختن بمبی در یکی از خیابان‌های توکیو هم رعب و وحشت بیشتری ایجاد می‌کرد و هم جان افراد بیشتری را می‌گرفت. مسمومیت با گاز در همان ایستگاه و ایستگاه‌های دیگر دوازده نفر را به کام مرگ کشید. اما ماهیت ماده سمی به گونه‌ای بود که بسیاری از قربانیانی که گاز سمی را استنشاق کرده بودند تا مدت‌ها علائمی مانند سرماخوردگی، تاری دید و ... داشتند، به همین دلیل بعد از ظهر روز حمله بسیاری از افرادی که در زمان حادثه در ایستگاه بودند به بیمارستان‌ها مراجعه کردند. این اتفاق چیزی از زمینه اصلی اکثر رمان‌های موراکامی کم نداشت. این حمله برای چند ساعت زندگی شهر توکیو را بر هم زد.

فکر تدوین این کتاب با خواندن نامه‌ای از همسر یکی از قربانیان حمله گاز در مجله بانوان به ذهن موراکامی رسید. او اگرچه در زمان حمله گاز برای تعطیلاتی کوتاه مدت به ژاپن آمده بود اما ۷-۸ سالی می‌شد که خارج از ژاپن زندگی می‌کرد. اقامتی که به قول خود او «تبعیدی خودخواسته» بود تا بتواند از بیرون به مردم و سرزمین مادری‌اش

نگاه دقیق‌تری ببیند. او حمله‌ی گاز و زلزله‌ی کوبه را «آغازگر دوران تحقیق انتقادی در مورد ریشه‌های وضعیت ژاپن» می‌داند (همان: ۲۸۰). موراکامی مجموعه داستان *پس از زلزله* را با محوریت زلزله‌ی کوبه نوشت که مدتی پیش از حمله‌ی گاز اتفاق افتاده بود. این داستان‌ها در سال ۲۰۰۰ در ژاپن منتشر شد.

حمله‌ی اعضای منتسب به فرقه‌ی اوم با گاز سارین به متروی توکیو یکی از مهم‌ترین و وحشیانه‌ترین حملات تروریستی تاریخ معاصر است. دوازده نفر کشته شدند و تعداد بسیاری نیز آسیب‌های جدی دیدند. شدت آسیب در برخی قربانیان به حدی بود که امکان زندگی عادی و روزمره را از آنها سلب یا ترسی دائمی از تکرار حمله را با ایشان همراه کرد. به عقیده‌ی موراکامی، قربانیان این حادثه تنها کسانی نیستند که در مترو بودند و آسیب دیدند، خانواده‌ها، همکاران، دوستان و تمام مسافران همه‌ی خطوط شلوغ متروهای توکیو و سراسر ژاپن قربانی این حادثه‌اند. در بخش دوم این کتاب - که در ژاپن در مجلدی جداگانه به چاپ رسید - مصاحبه‌های موراکامی با برخی اعضای قدیم و جدید فرقه‌ی اوم آمده است. اگرچه بیشتر این مصاحبه‌ها با نام مستعار چاپ شده‌اند و بسیاری از مصاحبه‌شوندگان از حمله‌ی فرقه به مترو بی‌اطلاع بودند یا اساساً انتساب آن به فرقه‌ی خود را رد می‌کردند. با این حال، افزوده شدن این قسمت غنای خاصی به کتاب بخشیده و تحلیل عمیق‌تری را که موراکامی در پی‌اش بوده میسر ساخته است.

دیگر شخصیت‌های این مستند مردمان آن سوی خیابان، اعضای فرقه اوم و مسئولینی هستند که بی‌اعتنا از کنار حادثه عبور کردند. تصویر رقت‌انگیز دست‌پاچی مردم و نرسیدن نیروهای امدادی در برخی مصاحبه‌ها به خوبی ترسیم شده است. تصویر دوباره این سو و آن سوی خیابان در حمله‌ی گاز بسیار شبیه به درک موراکامی از ژاپن امروز است؛ تضادی ناگفته میان ظاهر و باطن... جلو رفتن و به درون خزیدن که در هیاهوی زندگی روزمره گم شده است:

«... آن نیمه‌ی خیابان جهنم مطلق بود. اما طرف دیگر مردم طبق معمول به سر کار می‌رفتند. داشتم به کسی کمک می‌کردم و سرم را بالا آوردم و دیدم رهگذری با حالت اینکه «محض رضای خدا اینجا چه اتفاقی افتاده؟» به من نگاه می‌کند. اما کسی نزدیک نیامد. انگار یک دنیا فاصله داشتیم. هیچ کس توقف نکرد. همه‌ی آنها فکر کردند: «به من ربطی ندارد» (همان: ۲۵).

آنچه برای موراکامی جالب توجه بوده واکنش آنی افراد مختلف به این اتفاق و تأثیرات بعدی آن در زندگی ایشان است. قطعاً اتفاق افتادن این حادثه در قطار شهری در جلب توجه موراکامی به آن نقش داشته است، چون موراکامی و شخصیت‌هایش عاشق قطارند. همچنین محتمل است که توجه به فرهنگ بومی و سرزمین مادری از انگیزه‌های موراکامی در تدوین این اثر باشد، زیرا منتقدان ژاپنی او را از این نظر بسیار ملامت کرده‌اند و معتقدند او بیشتر برای مخاطبان و جایزه‌های جهانی می‌نویسد و توجهی به ادبیات سرزمین مادری‌اش ندارد.

جستجوی تصویری کامل از جامعه ژاپن هدف اصلی و درونی موراکامی در این اثر وقایع نگارانه است. عنوان فرعی این کتاب (حمله گاز توکیو و روان ژاپنی‌ها)^۲ گویای قصد اصلی موراکامی از گردآوری و تدوین این مصاحبه‌هاست: جلوگیری از فراموش شدن قربانیان، شنیدن و ثبت روایت شخصی ایشان و بازنمایی ابعادی متفاوت از جامعه امروز ژاپن. حضور موراکامی در سراسر کتاب بسیار کم‌رنگ است و بیشتر خواسته است داستانی را که گردآورده همراه با مخاطب تماشا کند. موراکامی طی مصاحبه‌ها تا حد ممکن از اظهارنظر خودداری کرده و تمام نظرهای خود را به مؤخرهای نه‌چندان بلند در انتهای کتاب برده است. سامان‌دهی مطالب به گونه‌ای است که اولویتی به خواننده القا نمی‌کند؛ هر تجربه، هر احساس و هر خاطره‌ای از روز واقعه فارغ از اهمیت و قضاوت برای نویسنده مهم است و این مساوات را با نحوه سامان‌دهی اطلاعات به خواننده هم منتقل می‌کند. پرداخت دقیق و جزئی‌نگرانه موراکامی به سیر حوادث و جزئیات تجربه هر قربانی موجب شده اثر از مجموعه مصاحبه‌های عادی به داستانی جذاب و پرکشش ارتقا یابد. بدین ترتیب مخاطب بدون فاصله روبه‌روی مصاحبه‌شونده قرار می‌گیرد و این جایگاهی است که موراکامی برای مخاطباننش آرزو می‌کند؛ اینکه خود را در صبحگاه ۲۰ مارس در یکی از ایستگاه‌های مترو توکیو تصور کنند و از خود بپرسند: اگر آنجا بودم چه می‌کردم؟^۳ ترجمه فارسی این کتاب در دو بخش جداگانه در یک مجلد (مطابق چاپ انگلیسی) انجام شده است. در نسخه ژاپنی، کتاب مترو دو جلد دارد که جلد اول آن مصاحبه با قربانیان حادثه و جلد دوم شامل مصاحبه‌های عاملان حمله تروریستی است. مقاله تأثیرگذاری که موراکامی در پایان بخش نخست نوشته است (کابوس کور؛ ما ژاپنی‌ها به کجا می‌رویم؟)^۴ دیدگاه اصلی موراکامی را توضیح می‌دهد. یکی از چیزهایی که موراکامی خواسته مطرح کند برخورد سرد و نظم آهنین جامعه ژاپن در مواجهه با چنین اتفاقی است: مدت کوتاهی پس از حمله گاز، قطارها دوباره راه می‌افتند ... شاهدان به سرکار خود بازمی‌گردند و عده‌ای تنها با پخش خبر از تلویزیون متوجه می‌شوند در قطاری که بر آن سوار بوده‌اند چه روی داده است.

موراکامی با افزودن بخش دوم با عنوان مکان موعود^۵ (که مصاحبه‌های برخی اعضای فرقه) را در برمی‌گیرد قصد دارد دوگانگی مردم مظلوم ژاپن و فرقه متعصب و جنایتکار اوم را درهم بشکند و آن را دو چهره از جامعه ژاپن معرفی کند. به عبارت دیگر، می‌خواهد گفتمانی را که با صورت‌بندی تقابل ما/ آنها حل شده بود، زیر سقف ما گرد آورد و از درون به آن نگاهی بیندازد. این وجهی از ماجراست که دادگاه و قانون نمی‌تواند در باب آن سخنی بگوید. در این مصاحبه‌ها موراکامی حضور پررنگ‌تر و فعال‌تری دارد و پیداست که در پی پاسخ پرسش اصلی خود در این پروژه است: اعضای فرقه اوم چه کسانی هستند؟ یا به عبارت دقیق‌تر، اعضای فرقه اوم چطور ژاپنی‌هایی هستند؟

«بیشتر ژاپنی‌ها آماده‌اند تا همه واقعه را در صندوقی جا بدهند و بر آن برچسب امور حل‌شده و انجام‌گرفته بزنند. ترجیح می‌دهیم توضیح این مصیبت برای روند دادگاه

مانده باشد و به همه چیز در سطح سیستم رسیدگی شود... بی تردید روند قانونی با ارزش است و خیلی از حقایق را روشن می‌کند. اما اگر ما ژاپنی‌ها آن واقعیت‌ها را هضم نکنیم و در حوزه دید قرار ندهیم، همه چیز در توده‌ای از جزئیات بی‌معنی، شایعات پرونده‌ای دادگاهی، در گوشه‌ای مبهم و فراموش شده از تاریخ گم می‌شود... هر قدر ناخوشایند به نظر برسد، مهم است تا اندازه‌ای «آنها» را در آنچه «ما» نامیده می‌شود، یا دست کم در جامعه ژاپن بپذیریم» (همان: ۲۶۷-۲۶۹ با تلخیص).

موراکامی همه جا این حمله را تقییح و عاملان آن را محکوم می‌کند اما معتقد است تنها تحلیل دقیق و پذیرفتن آنچه واقعا اتفاق افتاده است می‌تواند از تکرار چنین وقایعی جلوگیری کند. موراکامی سعی دارد هویت فردی و جمعی ژاپن را از سایه خارج کند. روشی که موراکامی در پیش گرفته بهتر از هر بیانیه و مقاله‌ای می‌تواند ابعاد فاجعه‌بار تروریسم و فرقه‌گرایی را نشان دهد. سرگردانی اعضای فرقه اوم شباهت زیادی به شخصیت‌های رمان‌های موراکامی دارد:

«... برای اعضای فرقه این احتمالاً بسیار آرامش‌بخش بود. عاقبت کسی را داشتند که از آنها مراقبت کند، آنها را از اضطراب ناشی از تنهایی مواجهه با هر موقعیت تازه در امان نگه دارد و از هر نیازی برای اینکه خود فکر کنند، نجات دهد» (همان: ۲۷۳).

شوکو آساهارا^۷ (۱۹۵۵-۲۰۱۸) رهبر مرموز این فرقه تقریباً نابینا بود و به همین دلیل از رفتن به دانشگاه محروم شد. اما به تحصیل طب چینی و فلسفه تبتی و بودایی و ... پرداخت و در سال ۱۹۸۴ با دوازده عضو اصلی در کلاس‌های یوگا فرقه اوم را بنیاد نهاد. این فرقه که اندیشه‌های آخرالزمانی دارد در دهه ۱۹۹۰ به اوج قدرت خود رسید. اصول عقاید آساهارا تلفیقی از مسیحیت، بودیسم ژاپنی و آیین زودیاک است. در سال ۱۹۹۳، آساهارا - که موفق نشده بود به مجلس نمایندگان راه یابد - از اعضای خود خواست تا در پایگاهی در کوه‌های فوجی گرد آیند و به صورت اردوگاهی زندگی کنند. تأثیر شخصیت و تعلیمات او به حدی بود که به زودی بسیاری دانشمندان و روشنفکران ژاپنی به فرقه جذب شدند و در آزمایشگاه‌های پایگاه به آزمایش سلاح‌های اتمی و نظامی پرداختند. اعضای فرقه موفق به کشف فرمول گاز سارین شدند. گازی بسیار خطرناک و سمی که از مرگبارترین سلاح‌های شیمیایی است و بر سیستم عصبی اثر می‌کند، دستگاه تنفس را از کار می‌اندازد و خسارات جبران ناپذیری به بار می‌آورد. مشهور است که اولین بار نازی‌ها از این سلاح شیمیایی استفاده کردند.^۷ آساهارا پس از حمله گاز دستگیر و سرانجام پس از محاکمه‌ای طولانی در ۲۰۱۸ اعدام شد.

موراکامی در پی پاسخ به این پرسش است که چگونه آساهارا توانسته از اعضای ماهر و سرسپرده فرقه خود جنایتکارانی بی‌رحم بسازد و ایشان را به چنین عمل وحشیانه‌ای وادارد. موراکامی سعی دارد نشان دهد چگونه خلأ روحی در جامعه بیش از حد صنعتی ژاپن زمینه ظهور و به قدرت رسیدن افرادی چون آساهارا را فراهم می‌کند. در مصاحبه‌هایی که با اعضای فرقه انجام داده است، بارها بر این مطلب تأکید دارد که

آنها افرادی تحصیل کرده و اهل تفکر بوده‌اند که نظام آموزشی و دانشگاهی را از پاسخ به پرسش‌های خود قاصر یافته‌اند و آرامش، پاسخ و امنیتی که در فرقه یافته‌اند باعث جذب ایشان شده است، چون نظام آموزشی در ژاپن در درجه اول در خدمت تربیت نیروی کار است و کار چندان‌انی به تکامل شخصیت و ابعاد وجودی و فلسفی آموزندگان خود ندارد. تأثیر ظریف این واقعه را می‌توان در پیرنگ رمان بسیار محبوب و پرفروش 1Q84 باز یافت. اگر چه منتقدان نام این اثر را برآمده از شوخی موراکامی با ۱۹۸۴ جورج اورول می‌دانند (زیرا عدد ۹ در زبان ژاپنی تلفظی شبیه Q دارد) باید توجه داشت که تشکیل هسته مرکزی فرقه اوم^۸ نیز به سال ۱۹۸۴ بازمی‌گردد. شخصیت اصلی رمان 1Q84 زنی است که آمامه (به معنای لوبیا سبز) نام دارد و قاتلی حرفه‌ای است که در کودکی عضو فرقه‌ای مذهبی بوده است.

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال اول، شماره ۲۰۱
بهار و تابستان ۱۳۹۷



موراکامی در این اثر موفق شده است از روابط درون و میان فردی فاصله بگیرد و روابط اجتماعی را محل توجه خود قرار دهد. همانند زمینه اصلی بیشتر رمان‌هایش موراکامی می‌خواهد از عادی جلوه داده شدن این حادثه جلوگیری کند و جنبه‌های نامعمول و ابعاد پنهان واقعیت را بازشکافد. در بخش دوم مصاحبه‌ها موراکامی سعی دارد نشان دهد که هم قربانیان و هم عاملان در درجه نخست قربانی انفعال و پذیرفتاری خودند، چون اجازه داده‌اند نظام اجتماعی یا عقیدتی بزرگ‌تری میان ایشان و خودشان فاصله بیندازد. بسیاری قربانیان پس از حادثه بلافاصله به سرکار خود برمی‌گردند و بزرگ‌ترین دغدغه آسیب‌دیدگان نیز همین ناتوانی از کار کردن است. همانند شخصیت‌های اصلی داستان‌های موراکامی که مجبور شده‌اند از کار دست بکشند و سفری درونی را آغاز کنند با این تفاوت که این‌بار حادثه‌ای تروریستی آنها را به این سفر فراخوانده است نه یک زن. موراکامی را باید از نخستین کسانی دانست که پیش از ظهور فرقه‌های خطرناکی چون داعش و ... خطر فرقه‌گرایی و تعصب مذهبی را گوشزد می‌کند.

پی‌نوشت

1. Aum Shinrikyo به معنای حقیقت متعالی
2. *The Tokyo Gas Attack and the Japanese Psyche*
۳. «بر هر شهروند عادی ژاپن اگر ناگهان گرفتار چنین حمله‌ای شوند، چه می‌گذرد؟» (همان: ۲۶۶)
4. - Blind Nightmare: Where are we Japanese Going?
5. the place that was promised
6. Shoko Asahara
۷. عراق نیز در بمباران شیمیایی حلبچه (۱۳۶۶) از همین گاز علیه ایران استفاده کرد و شواهدی از استفاده از آن در حملات به سوریه نیز وجود دارد.